



فهرست:

- ۲ ----- فرع ۲۱: تعاون در ارشاد
- ۳ ----- سیمای کلی قاعده ارشاد:
- ۴ ----- قاعده هدایت



بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما در قاعده ارشاد بود و پس از بیان مقدمات و سپس ادله گوناگون که بیش از بیست دلیل می شد به فروع و تزییلات پرداخته شد.

## فرع ۲۱: تعاون در ارشاد

بحث دیگر که بحث عامی است که بحث تعاون است نه بحث اعانه؛ ارشاد جاهل در آن عقاید و اخلاق و احکام مورد ابتلا و ضروری لازم بود اما ممکن است در جایی یک فرد اصلانمی تواند ارشاد انجام دهد در آن منطقه اگر کسی بخواهد ارشاد را انجام دهد باید جمعی با هم این کار را انجام دهند نه از باب این که یکی مقدمات را انجام دهد و دیگری ...، بلکه باید با هم تعاون و همکاری کنند و مثلاً در تربیت و آموزش بچه در فلان منطقه خود اصل این تربیت او یا ارشاد و آموزش او خود این عمل به دو نفر نیاز دارد آنجا که عمل مال یک نفر است ... آنجا اعانه او ... اما آنجا که تعاون است و دو نفری هم با هم این کار را انجام دهند، اعانه بر قتل و تعاون بر قتل با هم متفاوتند. اینجا هم گاهی ارشاد کار یک نفر است و دیگران اعانه می کنند که آن اعانه هم واجب نیست مگر در برخی از موارد، البته اعانه بر حرام که ما مطلقاً حرام می دانیم. اما تعاون که کار را باید با هم انجام دهند مثل آموزش و فعالیتی که باید با هم انجام دهند تا او یاد بگیرد. به نظر می آید تعاون در برخی از موارد واجب می شود و آن جایی است که ما مطمئنیم که شارع راضی به ترک عمل نیست اگر در این حد باشد تعاون لازم است که با هم این فعل را انجام دهند اما اگر به این حد نرسد معلوم نیست تعاون لازم باشد. اگر کسی غرق می شود او تنهایی او را نمی تواند نجاتش بدهد باید با هم انجام دهند چون نعلم بان الله راضی ... در لاتعاونوا ... بیان شد که هم اعانه و هم تعاون را شامل است. در اثم و گناه به استناد همین آیه تعاون و اعانه هر دو حرام است. در یک جاهایی که نعلم من الشارع به این که راضی به ترک این نیست مثل راضی نیست که این شخص خفه شود یا گمراه شود ... بنابراین در طرف گناه تعاون گناه و حرام است همان طور که اعانه حرام است. یکی از جاهایی که استثنا می شود که نعلم من الشارع که ... مثل دفن میت که کسی باید دفن شود و این آقا به تنهایی نمی تواند دفن کند نمی توانند بگویند من که قدرت ندارم چون می دانیم که شارع راضی به ترک نیست باید تعاون کنند.

در ارشاد جاهل شاید در همه احکام این طور نباشد ولی در عقاید و یک جاهایی که اگر این کار را نکنند این شخص گمراه می شود ولی در همه فروع و احکام این گونه نیست که به طور مطلق و کلی اطمینان وجود ندارد، بنابراین حاصل سخن این است که:



اگر ارشادی متوقف بر اعانه کسی یا تعاون باشد، اعانه یعنی تمهید مقدمات بر او که انجام دهد، تعاون یعنی همکاری کردن با او در انجام کار، واجب است، اما در احکام عادی و طبیعی ممکن است گفته شود اطلاق و وجوبی وجود ندارد؛ ولذاست اگر تعاون لازم شد در خیلی از جاها این حرکتها پایه تعلیمی را در یک کشوری ... بدون گروه شدن ممکن نیست و باید تعاون صورت گیرد .... ، بنابراین تعاون و اعانه بر ارشاد در امور مهمه‌ای مثل اعتقادات یا احکام مهم و امثال اینها لازم است مثل ارشاد به حکم سیاسی اسلام که معلوم است که نمی‌توان گفت من که نمی‌توانم بنابراین بی-خیال شوند باید تعاون کنند و بیان کنند.

ثمره بحث در جایی است که یک اقداماتی باید صورت گیرد که حتما باید اعانه یا تعاون صورت گیرد مثل راه انداختن یک رسانه برای انجام ارشاد و در امور مهمه این امر لازم و واجب است ضمن این که استحباب و رجحانش در همه جا وجود دارد که در کارهای خیر باید اعانه یا تعاون کنند.

### سیمای کلی قاعده ارشاد:

مقدماتی ذکر شد، ادله را که بیست سی دلیل از قرآن و روایات طرح شد و بعد هم بیست فروع و شعب پرداخته شد. و در این قاعده ملاحظه شد که ارشاد جاهل در یک محدوده الزام و وجوب داشت و در محدوده ای مستحب بود. در احکام و موارد الزامی واجب است و یک نکته این است که این در پاره‌ای از احکام و علوم دینی بود نه در سایر علوم، و یک مطلب این است که ارشاد در پاره‌ای موارد تأکید داشت و بدین ترتیب این بحث تمام می‌شود و بعنوان قاعده مهم فقه تربیتی به شمار می‌آید و به طور خاص متوجه عالمان دین و نهاد عالمان دین می‌شود. از اکنون وارد قاعده دیگر می‌شویم که از جهاتی مشابه این قاعده است.

در مقدمه باید گفت که ارشاد، بحث تعلیمی بود، اما بحث بعدی، بحث فراتعلیمی است بعد از دانستن او، ایا لازم است او را راهنمایی کند و شیوه‌های مختلف را به کار گیرد تا دانشش را عمل کند و دانشش را در بیرون و درون محقق کند و فرد متخلق بشود، تربیت به معنای خاص؟

در معارف دین - بحث بعد این است که عموم جامعه یا علماء علاوه بر آموزش جامعه که در مواردی واجب و در اموری مستحب است آیا یک نقش و وظیفه تربیتی و تهذیبی و این که ایجاد باور کند غیر از علم، یا ایجاد صفات و خصوصیات شخصی و روحی در او بکند یا این که رفتارسازی کند در این سه حیطه هم وظیفه دارد و بعد از آموزش در باورسازی وظیفه دارد؟ در شخصیت سازی از حیث رذائل و فضائل؟ در رفتارسازی یعنی التزام عملی به رفتار داشت باشد یا این که ...؟

بعد از این، رتبه بعدی، امر به معروف و نهی از منکر می‌شود که این بازدارندگی واضح است.



## قاعده هدایت

سه مرحله در تربیت وجود داشت:

- ۱- ارشاد جاهل «آگاهی بخشی» ناظر به علم است .
  - ۲- قاعده هدایت « کارهای تربیتی کردن به عنوان وظیفه اجتماعی» ناظر به اقدامات تربیتی است.
  - ۳- قاعده بازدارندگی « مربوط به امر به معروف و نهی از منکر می شود.
- اسم این مرحله دوم که قاعده ایست که الان شروع می کنیم اجالتا اسمش را قاعدة الهدایة می گذاریم علم دارد ولی این علم اثر ندارد و می خواهد مؤثرش کند.
- ارشاد جاهل یک رگه‌ای در فقه داشت و این دامنه ای که برای ارشاد جاهل گفته شد بحث نشده بود اما قاعده هدایت ناظر به کارهای تربیتی بعد از علم آموزی است.